

محدوده شهری «نجف» اشرف» و طرز معماری آن

عبدالستار سشتین الجنبانی
ترجمه محمد مهدی رضایی

چکیده

شهر مقدس نجف یکی از شهرهای تاریخی با سرمنشأ دینی است که مجموعه‌ای از اسباب و عوامل در طرح معماری و ساختار ظاهری آن دخیل می‌باشد. از جمله عوامل جغرافیایی، دینی، سیاسی، نظامی و

محل‌های قدیم و جدید نجف اشرف، دو بخش اصلی شهر محسوب می‌شوند که هر کدام نشانه‌ها و نمادهایی مخصوص به خود دارند که یادآور فرهنگ و آداب و سنن حاکم بر عمل و اندیشه مردم در ساختن و طرز معماری خانه‌ها و محلات و اماکن عمومی در طول تاریخ است. از مقایسه میان بخش‌های مختلف شهر در گذشته و حال و تغییرات و تحولاتی که در گذر زمان در شکل خانه‌ها پدید آمده، این نتیجه حاصل می‌شود که سازه‌های قدیم نجف، بیش از ساختمان‌ها، کوچه‌ها و محل‌های امروزی با روح فرهنگ اجتماعی و آداب دینی و اوضاع محیطی هماهنگی دارد. به همین دلیل هنوز به طور کلی مقهور واقعیات و جریانات مخالف و وارداتی نشده و هرچند به شکل محدود، به حیات خود ادامه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نجف اشرف، معماری، محلات، محدوده شهری، خانه‌های قدیم و جدید،

مدارس دینی.

مقدمه

شهر نجف اشرف از روزهای نخستین شکل‌گیری و حتی در مراحل بعدی توسعه در دهه سوم قرن بیستم، طبق نقشه‌های شهری و حکومتی که برای ساخت شهرها تعیین می‌شود، رشد و تکامل نیافته است؛ همچنان که شهرهای کوفه و واسط و بغداد نیز همین حال را دارند. از این جهت محدوده‌های شهر نجف و ساختار شهری آن، دارای نظم و هدف و شکل از پیش مشخص شده‌ای نیست و مسیرها و میدان‌ها و بازارها پراکنده و نامنظم، و خانه‌ها و محله‌ها درهم فشرده و بی‌قاعده است.

نجف اشرف به تدریج و بدون هیچ ضابطه‌ای توسعه یافته و تنها ملاک در ساخت و سازهایش این بوده است که خانه‌ها به حرم مطهر علوی نزدیک‌تر باشد و همین امر، نشان‌دهنده سبب فشردگی و ازدحام خانه‌ها و مساحت اندک واحدهای مسکونی است.

محدوده شهری «نجف اشرف» و عوامل مؤثر در آن

سخن گفتن از طرح و نقشه شهرهای تاریخی، یعنی سخن گفتن از تغییرات و دگرگونی‌هایی که در طول زمان، در مکان واحدی اتفاق افتاده است (مکیه، ۲۰۰۰م، ص ۴۶۴). نجف، یکی از شهرهای تاریخی با سرمنشأ دینی است که مجموعه‌ای از اسباب و عوامل در روش طراحی، شکل ظاهری و طرز معماری آن مؤثر بوده‌اند.

۱. عامل جغرافیایی

شهر نجف در سرزمینی با خصوصیات آب و هوایی و محیطی ویژه ایجاد شد و رشد و توسعه یافت. در روزگاری که شهرها معمولاً در مناطق خوش آب و هوا و در نزدیکی آب بنا می‌شدند، نجف اشرف در سرزمینی خشک و به دور از آب شکل گرفت و همین باعث شد مردم ساکن این شهر با گرفتاری‌ها و دشواری‌های مستمری روبه‌رو باشند و در بعضی دوره‌های تاریخی، بسیاری از اهالی نجف مجبور به ترک خانه و دیار خود

شوند؛ تا اینکه طرح آبرسانی به نجف اشرف در سال ۱۹۲۸ میلادی اجرا شد. طولانی بودن فصل تابستان و بالا رفتن درجه حرارت و وجود توفان و گرد و خاک سبب شد که مردم سرداب‌هایی را بنا کنند و با ساختن دیوار و سقف برای آنها، که با طرز معماری محلی در ایجاد طاق‌ها و گنبدها و دریچه‌ها سازگار بود، خود را در امان بدارند. این سرداب‌ها، پدیده‌ای فراگیر بود و کمتر خانه‌ای را می‌شد سراغ گرفت که سرداب نداشته باشد. پس تعداد سرداب‌ها را می‌توان به تعداد خانه‌ها دانست که شهری دیگر را در دل زمین به نمایش می‌گذاشت.

۲. عامل دینی

عامل دینی به شهر نجف معنویت بخشید و آن را در زمره شهرهای مقدس قرار داد. تأثیر این عامل در طرح شهری نجف اشرف با وجود ضریح مقدس امام امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، در این شهر، پیوند کاملی دارد و صحن شریف علوی به عنوان مرکز شهر و محور فعالیت‌های دینی و برگزاری برنامه‌ها و شعائر اسلامی، معنا و مفهوم می‌یابد. حرم مطهر علوی، محل اجتماع مردم برای ادای وظایف دینی بود و در طول زمان، برای امور دنیا و مسائل اجتماعی، فرهنگی، تجاری و سیاسی نیز مرکزیت یافت. صحن حرم علی علیه السلام قلب پر تپش شهر نجف، و منشأ عمران و آبادانی آن به‌شمار می‌آمد و میدان‌ها، محلات، بازارها و دیگر اماکن عمومی، از آنجا به اطراف شهر و تا بیرون آن، امتداد می‌یافت.

بدین‌سان شهر نجف در همه عرصه‌ها و فعالیت‌های مادی و معنوی خود با صحن شریف علوی و مناسک دینی آن پیوندی تنگاتنگ داشت و این بر چهارچوب نقشه شهر و تحولات مربوط به آن، تأثیری روشن می‌گذاشت.

تا سال ۱۹۶۸ میلادی ۲۶ مسجد جامع، هشتاد مسجد کوچک، پانزده حسینیه، ۲۸۸ گورستان خصوصی علاوه بر قبرستان عمومی، ۳۴ مدرسه دینی همراه با دانشکده فقه، هجده کتابخانه عمومی، پنجاه کتابخانه خصوصی بزرگ، صدها کتابخانه شخصی

کوچک و شش مقام برای پیامبران و اولیا و صالحین برای شهر نجف ثبت شده است (مظفر، ۱۹۸۲م، ص ۱۷۷).

از اینجا معلوم می‌شود که عامل دینی بر شکل‌گیری نقشه شهری نجف اشرف، و وحدت معماری آن در سازه‌های دینی یا مسکونی، تأثیری روشن داشته و منشأ پیدایش شکل خاص و متمایزی شده است که در طرز معماری صحن علوی و مساجد و گنبد‌های موجود در بخش قدیمی شهر و قبرستان آن به وضوح پیداست. نقشه خانه‌های نجف نیز متأثر از عامل دینی است؛ چه اینکه در ساخت واحدهای مسکونی، سعی شده است که حریم زنان و خانواده حفظ شود و دور بودن آنها از چشم بیگانگان و مهمان‌ها مد نظر باشد. از این رو خانه‌ها معمولاً دو بخش کاملاً مجزا داشت: «اندرونی» که مخصوص زنان بود و جز خانواده و زنان، کسی حق ورود به آن را نداشت؛ «بیرونی» که ویژه مهمان‌ها، دوستان و نزدیکان بود.

موقعیت دینی شهر نجف و ورود زائران و مهاجران از اقوام و دولت‌های مختلف، زمینه را برای ظهور بسیاری از شیوه‌های هنری و معماری در این شهر، فراهم کرده بود و به خصوص معماری شرقی، تأثیر فراوانی بر آن گذاشته بود. طرز معماری اسلامی - شرقی یا گنبد‌ها و ایوان‌ها و ستون‌ها و طاق‌ها، در ساخت ضریح و صحن شریف حیدری و مساجد و مدارس و حتی خانه‌ها تأثیرگذار بود. دیگر شیوه‌های معماری نیز همچون نوع محلی قدیم، که در منطقه حیره بر جای مانده، سبک‌های نو اسلامی، آنچه از سنت‌های فنی و معماری شرقی به عاریت گرفته شده و شیوه‌های متأثر از ضرورت‌های محیطی و منطقه‌ای، همگی شکل و صورت خاصی به معماری شهر نجف بخشید و با وجود تلون و گوناگونی، در یک چیز مشترک بود: وجود گنبد‌ها، طاق‌ها و خطوط عربی و ظریف‌کاری‌ها و تزیینات مربوط به آن.

نکته آخر اینکه وظایف دینی در باب نظافت و طهارت، وجود حمام‌های عمومی متعدد را ایجاب می‌کرد. از این رو شهر نجف در نیمه‌های دهه سی، دوازده حمام عمومی

داشت (محبوبه، ۱۹۵۸م، ص ۲۲). تأثیر دیدگاه دینی باعث شده بود که در همه خانه‌های نجف قدیم یک حوض آب به اندازه کُر یا بیشتر وجود داشته باشد.

۳. عامل اجتماعی

عامل اجتماعی نمی‌تواند به تنهایی در طراحی شهر نجف و شکل معماری آن مؤثر بوده باشد. این عامل در بسیاری از موارد، با عامل دینی تداخل و هم‌پوشانی دارد. اختلاف و تباین آشکاری میان سازه‌های معماری شهر نجف دیده نمی‌شود؛ هم به دلیل طبیعت اجتماعی و دینی این شهر که بر رعایت اعتدال و عدم اسراف در ساخت و ساز مبتنی است و هم اینکه در نجف گروه متنفذ و حاکم و قدرتمندی که بخواهد برای خود قصر و بارگاه و مانند آن بسازد، وجود نداشته است. البته بعضی از خانواده‌های توانگر، مثلاً تجار و شیوخ عشایر، خانه‌های اضافی داشته‌اند که از جهت معماری و مساحت به گونه‌ای نبوده است که با خانه‌های دیگر مردم تفاوت چندانی داشته باشد و به آنها قصر گفته شود. در این خانه‌ها، که گاه وسیع‌تر و راحت‌تر از خانه‌های معمول بوده، از شخصیت‌های بزرگ ادبی، اجتماعی یا سیاسی - که از نجف دیدار می‌کردند - پذیرایی می‌شده است؛ مثل خانه‌های آل عجینه، آل شلاش و آل مرزه.

۴. عامل زمین‌شناسی

از دیگر عوامل مهم در سبک معماری شهر نجف، مسئله طبیعت زمین و فراوانی مواد اولیه‌ایست که برای ساخت سازه‌های مسکونی و غیره، طبق روش‌های خاص محلی و منطقه‌ای به کار گرفته می‌شده است. زمین نجف نسبت به جاهای دیگر خاک مرغوب‌تری برای عمل آوردن آجر دارد. همچنین شن و صخره‌های آهکی که مواد تشکیل دهنده گچ به شمار می‌آیند، به وفور در نجف یافت می‌شود. وجود آجر و گچ، از نوع ممتاز و نرم، باعث می‌شد که ساخت و سازها در نجف به شکل اساسی بر آن دو ماده متکی باشد و در ساخت گنبدها و طاق‌ها و دیوارها مورد استفاده قرار گیرند. ساختمان‌هایی که آجر و گچ در آنها به کار رفته، چنان استواری و استحکامی دارد که

ده‌ها سال پا برجای مانده است؛ مانند ساختمان صحن شریف حیدری. چوب در نجف اشرف، عنصری وارداتی و گران‌قیمت است. از این‌رو کاربرد وسیعی نداشته است و از آن تنها در ساخت درها و پنجره‌ها و ستون‌ها و سقف طبقه‌های دوم - برای سبکی، زیبایی و عایق حرارتی - بهره می‌برده‌اند.

۵. عامل نظامی

نجف اشرف، شهری بر کناره صحراست و همین مسئله همواره این منطقه را در معرض خطر هجوم دشمنان یا حمله بعضی قبایل هم‌جوار یا اعراب بادیه‌نشین قرار می‌داده و حمایت همه‌جانبه از مردم و تأمین امنیت زندگی و اموال آنان را می‌طلبیده است. از این‌رو باید عامل نظامی را سببی مضاعف در جهت‌گیری ساختاری شهر نجف دانست که مردم را بر آن می‌داشت گرد شهر دیوارهایی برآورند و استحکامات پیرامون آن را تقویت، و خندق‌هایی را حفر کنند.

دیوارهای شهر نجف به همان اندازه که شهر را در آغاز قرن هفدهم میلادی در برابر هجمات گسترده وهابیون و اعراب، محافظت کردند، عاملی اساسی در جلوگیری از توسعه، و موجب تراکم و ازدحام و تنگی معابر و کوچکی واحدهای معماری و تعدد طبقات خانه‌های شهر نیز بوده‌اند. علاوه بر این، هزینه‌های هنگفتی که خرج ساخت دیوار شهر نجف و استحکام و تجدید بنا و تغییر مکان آن می‌شده، نیروهای بسیار و اموال فراوانی را که می‌شد برای ساخت خانه‌ها و اماکن مورد نیاز به کار گرفته شود، به خود اختصاص می‌داده است که البته به دلیل ضرورت تأمین امنیت و پاسداری از حریم شهر و ساکنان آن، از آن چشم می‌پوشیده‌اند.

شاید یکی از عوامل وجود مسیرهای پر پیچ و خم و گذرگاه‌های تنگ که غالباً عرض آنها کمتر از یک متر است و معمولاً به بن بست منتهی می‌شوند، تأثیر عنصر نظامی بوده است؛ زیرا وجود چنین نقشه‌ای، هر منطقه را به محله‌ای مسدود که جز اهالی حق رفت و آمد در آن ندارند، تبدیل می‌کرده و این حالت در هنگامه هجوم‌های

سنگین که دیوارهای شهر تاب مقاومت در برابر آن را نداشتند، نقش دفاعی و حمایتی فعال و برجسته‌ای را ایفا می‌کرده و برای شهر نجف، که وهابی‌ها مستمراً به آن حمله می‌کردند، اهمیت ویژه داشته است - (ر.ک: عزوی، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۱۶۹).

شهر مقدس نجف با تن دادن به این چند عامل، توانست نوعی خاص از طرح و نقشه و معماری را محقق سازد و به موجب آن، در برابر بسیاری از آسیب‌ها و معایب سرزمینی و آب و هوایی مقاومت کند و شخصیت ذاتی و ممتازی از خود نشان دهد و ماهیت تمدنی خود را با ویژگی‌ها و نشانه‌های مدام و مستمر در طول تاریخ حفظ کند. اما از آن روز که این عوامل زیر پای تکنولوژی غربی و وسایل ارتباطی و قوای توسعه طلب پامال گردید و شهر نجف، عناصر محلی و سرزمینی خود برای ساخت و ساز، و نیز ارزش‌های روحی و انسانی خود را از دست داد، نه تنها به شهری بی‌هویت تبدیل شد، بلکه بسیاری از ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و اصالت‌های ژرف تاریخی که شهر نجف را به شکلی ممتاز و متمایز از دیگر شهرها می‌نمایاند نیز نادیده انگاشته شد (موسوی، ۱۹۸۲م، ص ۲۵۰).

محله‌های مسکونی قدیم در محدوده دیوار شهر

محله‌های قدیمی؛ ویژگی‌ها و پدیده‌های خاص

قبایل و عشیره‌ها پدیده اجتماعی خاصی است که وجه امتیاز بسیاری از شهرهای اسلامی همچون بصره، کوفه و واسط است. اما این پدیده اجتماعی در شکل و ترکیب محلات مسکونی شهر نجف، علی‌رغم عربی و بدوی بودن آن، تأثیرگذار نبود؛ زیرا هجرت به نجف و سکونت در آن هیچ‌گاه به صورت گروهی و دسته‌جمعی نبوده تا بتواند به روشنی در تغییر شالوده اجتماعی این شهر مؤثر واقع شود، بلکه مهاجرت‌ها یا فردی محض بوده یا در بهترین حالت، با خانواده یا تعدادی از خانواده‌ها بوده است که بعدها خاندان‌های بزرگی را بنیان نهادند. علت این امر را باید در وضعیت جغرافیایی

و محیطی نجف جست و جو کرد؛ سرزمینی خشک، بی آب و علف و محتاج به بسیاری از ضرورت‌ها و نیازهای حیاتی برای ادامه زندگی جماعت‌های بزرگ انسانی. از این رو شهر نجف، در طول تاریخ، مقصد و سکونتگاه قبایل و عشایری نبوده است که یکباره به آن رو بیاورند، بلکه مهاجرت‌ها عمدتاً با انگیزه‌های دینی و علمی، و بیشتر به صورت فردی صورت می‌گرفته است.

این پدیده در نهایت موجب شد که افراد جامعه نجف، در غیاب وابستگی و انسجام قبیله‌ای و عشایری، محلات و مناطق مسکونی متعددی را به وجود آوردند و این وابستگی و تشکل محلی، عامل ایجاد امنیت و آسایش بود و جای حمایت عشیره و قبیله را گرفت. البته این پیوند و اتحاد محله‌ای به نوعی عصیبت جدید تبدیل شد و به شکل تأمل‌برانگیزی، جنگ‌ها و فتنه‌هایی را زمینه‌سازی کرد تا آنجا که گاه حکومت‌های مرکزی مجبور به دخالت نظامی در قضایا می‌شدند.

محله‌های شهر نجف در محدوده دیوار شهر، به چهار محله بزرگ تقسیم می‌شوند: محله المشراق در شمال شرقی، محله البراق در جنوب شرقی، محله العماره در شمال غربی و غرب و محله الحویش در جنوب غربی.

این محلات تا قبل از سال ۱۲۸۲ق/ ۱۸۶۲م جدا و متمایز از هم نبودند و نخستین تحدید و مرزبندی محلات به شکل رسمی در سال ۱۲۸۲ قمری و توسط والیان عثمانی صورت گرفت و هدف از آن، سرشماری نفوس، و مشخص کردن مشمولین سربازی و وظیفه بود (محبوبه، ۱۹۵۸م، ص ۲۳).

هر محله، یک رئیس داشت و امور مربوط به خود را مستقلاً پی می‌گرفت و به انجام می‌رساند. محلات عموماً به اسم شخصیت‌های بزرگ و مطرح ادبی، دینی، تجاری و سیاسی نام‌گذاری می‌شد. وجود افراد متعدد از یک خاندان، یا سکونت شخصیتی مهم در یک کوچه باعث می‌شد آن کوچه را به نام آن خاندان یا شخصیت نام‌گذاری کنند؛ مثل کوچه‌های یابیت حبوبی، آل صافی، آل جواهری، آل شمردی و ...

وجود کوچه‌های تنگ و پر پیچ و خم که می‌توان از آنها به دهلیز تعبیر کرد، یکی از مظاهر شهر نجف است. طرح و نقشه این کوچه‌ها به گونه‌ای است که در کاهش آسیب‌های ناشی از تند بادهای سوزان و مملو از گرد و خاک در طول تابستان، بسیار مؤثر است. همچنین نقش طراحی منحصر به فرد این کوچه‌ها در تأمین امنیت محله‌ها و همه شهر در هنگام حمله‌های خارجی، انکار ناشدنی است. در دو طرف این کوچه‌های تنگ، خانه‌های کوچک و به هم چسبیده‌ای قرار دارند که طبقات متعدد و دیوارهای بلند آنها گاه فضای کوچه را اشغال کرده است و چنان می‌نماید که گویا به هم وصل شده‌اند. این استفاده بهینه از فضا و زمین و زیرزمین برای ساخت سکونتگاه‌ها، نتیجه محدودیت مساحت شهر و محصور بودن آن در چهارچوب دیوار شهر از یک‌سو، و ازدیاد ساکنان آن بر اثر رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های محله‌ای و بیرونی از دیگر سوست.

نخستین اقدامات برای توسعه شهر نجف (۱۹۰۸ - ۱۹۴۶م)

به سبب وجود مشکلات و گرفتاری‌های ناشی از تراکم جمعیت و کمبود جا در محله‌های چهارگانه نجف، تلاش‌هایی برای توسعه این شهر در بیرون از محدوده دیوار صورت گرفت و به شهروندان اجازه داده شد که در محله‌ای در جنوب شهر خانه‌سازی کنند. این تلاش‌ها از سال ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م با صدور نخستین طرح توسعه شهر از طرف ناظم پاشا، والی بغداد، شروع شد و تا سال ۱۹۱۸م. ادامه یافت و در این مدت در جهت جنوبی وادی السلام، و در کنار خط آهن به طرف کوفه و سمت غربی دیوار شهر، در جنوب محله العماره، خانه‌ها و اماکن اداری و کاروان‌سراهای متعددی ساخته شد. اما متأسفانه همه این خانه‌ها و مراکز اداری و خدماتی، که بیرون دیوار شهر ساخته شدند، در جریان محاصره شهر نجف، به دست انگلیسی‌ها، در سال ۱۹۱۸ میلادی، به بهانه کشته شدن معاون سیاسی حاکمیت نجف، «کاپیتان مارشال»، ویران شد و اثری از آنها باقی نماند (کمال الدین، ۱۹۷۰م، ص ۴۴).

پس از روی کار آمدن حکومت ملی و تأسیس دولت عراق و آرام شدن اوضاع شهر نجف و زوال خطر اعراب و وهابی‌ها و دیگر مهاجمان، مردم برای ساخت و ساز در بیرون از محدوده قدیمی شهر، انگیزه بیشتر پیدا کردند و شهر از غرب و جنوب شرقی توسعه یافت و محله‌های جدیدی با مراکز صنعتی و اداری ساخته شد و دیوار شهر در پنج قسمت، در مقابل خیابان اصلی محلات تازه تأسیس، تخریب شد تا دسترسی مردم به مرکز شهر آسان شود.

در سال ۱۹۳۷ میلادی، در دوره قائم‌مقامی «صالح حمام»، برنامه تخریب کلی دیوار شهر آغاز شد و از آنجا که خانواده‌های فقیر بسیاری در ایوان‌ها یا خانه‌های متصل به این دیوار زندگی می‌کردند و با این نقشه توسعه و ایجاد خیابان‌ها و جایگاه‌های جدید، متضرر می‌شدند، از طرف دولت زمین‌هایی به قیمت ارزان و گاه مجانی در جنب محله امیر غازی، به آنها واگذار شد و بدین ترتیب، محله‌ای نو به نام «صالحیه» شکل گرفت (محبوبه، ۱۹۵۸م، ص ۲۱۴).

در آغاز سال ۱۹۴۰ میلادی معاونت دولتی در نجف، طرحی را برای بازسازی مقبره وادی‌السلام - که سال‌ها به آن توجه نشده بود - پیشنهاد کرد؛ به این صورت که مقبره به قطعه‌های مربع‌شکل مساوی تقسیم شود و میان آنها خیابان‌های متقاطع احداث گردد و مقبره از همه طرف، حصارگذاری شود. آن‌گاه طبق گورستان‌های جدید، در خیابان‌ها و فرعی‌های آن، همچنین حصار پیرامونی درخت‌کاری صورت گیرد که این در زیبایی چشم‌انداز شهر و ورودی آن، نقش بسزایی دارد. این برنامه، به دلیل کمبود اعتبارات، پیشرفت کندی داشت و در سال ۱۹۴۶ میلادی تکمیل شد. همچنین در سال ۱۹۴۱ میلادی طرح بازسازی، توسعه و مستقیم‌سازی بازار بزرگ شهر نجف و بعضی بازارچه‌ها شروع شد و در سال ۱۹۴۳ میلادی به انجام رسید.

تغییرات اساسی در مرکز شهر

اصلاح و تغییرات اساسی در نقشه شهر نجف، در سال ۱۹۴۹ میلادی به اجرا در آمد و محور آن، پیرامون صحن علوی در مرکز شهر بود. ساخت و سازهای بسیار و تراکم

شدید خانه‌ها و اماکن عمومی اطراف صحن، باعث تنگی کوچه‌ها و بازارچه‌ها شده بود، به حدی که عبور و مرور را دشوار می‌کرد. علاوه بر اینکه در نقاط دیگر، اصلاً خیابانی وجود نداشت و هر کس می‌خواست از یک طرف شهر به طرف دیگر آن برود، باید از صحن علوی عبور می‌کرد. وجود وسایل نقلیه جدید ایجاب می‌کرد که خیابان‌های متناسبی احداث شود یا کوچه‌ها و خیابان‌های قدیم، توسعه یابد.

نخستین کار برای تأمین مالی طرح توسعه و تغییر اطراف حرم علوی، ایجاد پارکینگ‌های متعدد در شهر و اجاره دادن آنها به ماشین‌داران بود که شهرداری توانست از این طریق، سالانه پانزده هزار دینار کسب درآمد کند و بودجه کافی را برای تملک بناهای اطراف حرم علوی و تخریب آنها به دست آورد. آغاز این کار، سال ۱۹۴۹ میلادی بود.

عملیات تخریب خانه‌های پیرامون صحن حیدری به اجرا درآمد و خیابان‌هایی به عرض بیست متر، به شکل دایره‌ای، احداث شد. همچنین برای احداث خیابانی در جهت شمالی صحن، مقابل «باب الطوسی»، به طرف آخرین محدوده‌های شهر، خانه‌ها و مغازه‌ها، با جلب رضایت صاحبانشان، خریداری و تخریب شد و آن‌گاه برای سهولت در عبور و مرور ماشین‌هایی که از کربلا به سوی خیابان محیط به حرم علوی پیش می‌آمدند، کار تسطیح و هموارسازی آن نیز به پایان رسید.

با گشایش این مجموعه خیابان‌ها در قلب شهر نجف، تحول محسوسی در ظاهر شهر پدید آمد و بناهای قدیمی، همچون محله‌ها و بازارها و مهمانخانه‌ها، جای خود را به عمارت‌های جدید داد که با شکل معماری امروزی ساخته می‌شدند. با این کار، میراث معماری قدیم نجف - که باید حفظ می‌شد و به عنوان نماد هویت عربی و اسلامی شهر و ساکنان آن مورد توجه قرار می‌گرفت - با بی‌مهری مواجه شد و متأسفانه از بین رفت.

بناهای فرهنگی و ویژگی‌های معماری آنها

معماری همچون آینه‌ای است که پدیده‌های مختلف تمدنی یک عصر را - در محدوده جامعه‌ای خاص یا در سطحی عمومی - انعکاس می‌دهد. معماری نشان‌دهنده

ارزش‌های فکری و اجتماعی و به تبع، نماینده قواعد و احکام حاکم در یک دوره زمانی است و در عین حال از محتوایی زیبایی‌شناسانه و یک روح هنری حکایت می‌کند.

عناصر معماری شهر نجف، تابعی است از ارزش‌های دین اسلام و خصائص اخلاقی عرب که در این شهر عمیقاً ظهور و بروز یافته است. این ویژگی‌ها، طعم و رنگی خاص به معماری شهر بخشیده و ترکیبی است منحصر، از میراث عراقی اصیل ریشه‌دار در عمق تاریخ و معماری وام گرفته شده از بلاد شرق اسلامی و ضرورت‌های محلی و اجتماعی و اوضاع اقتصادی. از این‌رو در واحدهای ساختمانی گوناگون همچون خانه‌ها، مساجد، مدارس، مقبره‌ها و بازارها، ویژگی‌های مشترکی، از جهت معماری و هنری، دیده می‌شود.

۱. خصوصیات خانه‌های قدیم نجف

خانه‌های شهر نجف از جهت نقشه و طرز بهره‌وری از مکان و امکانات موجود، گاه چنان خاص و ویژه است که می‌توان آنها را از خانه‌های دیگر شهرهای عراقی یا اسلامی متمایز دانست. مهم‌ترین این ویژگی‌ها، وجود سرداب‌ها و چاه‌های آب و حوض‌ها و مقبره‌هاست که به ندرت می‌توان آنها را یکجا در خانه‌های غیر نجفی مشاهده کرد (حکیم، ۲۰۰۶، ص ۲۶).

خانه‌ها در شکل کلی خود، دارای عناصر ساختاری و معماری اصیلی است که در بیشتر خانه‌های قدیم نجف به صورت کامل یافت می‌شود. بعضی از عناصر مزبور از این قرار است:

الف) صحن یا حیاط روباز داخلی

حیاط، نخستین مکان در طرح و نقشه خانه‌هاست و اتاق‌ها، سرویس‌های بهداشتی، ورودی‌ها و راهروها، پیرامون آن واقع می‌شوند. باقی مانده‌های خانه‌ها در شهر باستانی «اور» در جنوب عراق، نشان می‌دهد که صحن داخلی در طراحی خانه، جایگاه نخست را داشته است. وجود حیاط در وسط خانه، موجب می‌شد که نور طبیعی و هوا از طریق پنجره‌ها به داخل

اتاق‌ها راه یابد. وسعت و ضیق حیاط، با توجه به مساحت کل خانه، تفاوت می‌کرد و معمولاً آن را با آجر مسطحی که در گویش محلی خود، آن را «فرشی» می‌نامیدند، سنگفرش می‌کردند.

ب) چاه آب

در صحن خانه، معمولاً چاه آب و حوضی کنار آن وجود داشت. ضرورت اقتضا می‌کرد که هر چند با زحمت، چاه آبی حفر شود و برای نیازهای گوناگون اهل خانه - به جز آشامیدن و پخت‌وپز - استفاده شود. بسته به منطقه شهر، عمق چاه‌های آب متفاوت بود. ولی به طور معمول، در عمق چهل متری به آب می‌رسیدند. قطر چاه، به حدود یک متر و دهانه چاه‌های مادر، به ۱/۵ متر و اندکی بیشتر می‌رسید.

چرخی چوبی با ریسمان و دلوی بر دهانه چاه قرار می‌دادند و با آن آب می‌کشیدند و در حوض می‌ریختند. حوض نیز به اندازه شرعی (کُر) بود تا کار تطهیر را آسان کند. در نجف اشرف، آب کشیدن از چاه‌ها، حرفه متداول عده‌ای معروف به «ملایه» بود. معمولاً از داخل چاه سوراخ‌هایی به درون سرداب ایجاد می‌کردند تا هوا تهویه شود. صحن هر خانه، یک یا دو چاه فاضلاب داشت که آب باران و زیادی آب‌های مصرفی خانه در آن سرازیر می‌شد (اسدی، ۱۹۷۵م، ص ۱۷؛ شرقی، ۱۹۷۸م، ص ۳۹).

ج) سرداب

خانه‌های نجف در قدیم، بی‌استثنا دارای سرداب بودند و حتی بسیاری از آنها بیش از یک سرداب با عمق‌های مختلف داشتند. سرداب در زیرزمین ساخته، و از داخل با آجر و گچ و به صورت طاقچه‌ها و سقف گنبدی‌شکل، پرداخته می‌شد. کف سرداب را با آجر مسطح فرش می‌کردند و حجم و عمق آن به وسعت خانه و تعداد افراد خانواده بستگی داشت. هر چه سرداب عمیق‌تر می‌بود، خنکی آن نیز افزایش می‌یافت. در تابستان نجف که گاه دمای هوا به پنجاه درجه می‌رسد، دمای سرداب‌ها سی درجه، و گاه - بسته به عمق سرداب - بیست درجه بود (اسدی، ۱۹۷۵م، ص ۴۰۴).

وسیله ورود به سرداب، پله و نردبان بود و افراد خانواده، ساعاتی طولانی از روزهای

داغ را خصوصاً هنگام ظهر و بعد از ظهر، و نیز بعضی شب‌ها را که توفان گرد و خاک برپا می‌شد، در آنجا سپری می‌کردند (خلیلی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۹).

تهویه هوای سرداب را کانال‌های متصل به چاه آب و بادگیرهای متصل به پشت بام تأمین می‌کردند. هوا از دهانه بادگیر که رو به وزش باد قرار داشت، وارد می‌شد و به سطح سرداب که بر آن آب می‌پاشیدند، برخورد می‌کرد و بدین طریق، هوای سرداب مرطوب، خنک و تلطیف می‌شد و فضای مناسبی را برای استراحت و آسودن از گرمای سخت تابستان فراهم می‌کرد. در زمستان نیز از سرداب‌ها به عنوان انبار توشه استفاده می‌کردند (انصاری، ۲۰۰۰م، ص ۴۵۸).

(د) ایوان

ایوان یا بالکون، سازه‌ای است با سه دیوار و سقف و گشوده از پیش رو و مشرف بر حیاط خانه که در زبان محلی به آن «طارمه» می‌گویند. هر خانه‌ای ایوان داشت و اهل خانه برای استراحت روزانه در هوای معتدل و خوردن چای و تنقلات از آن استفاده می‌کردند. نمونه‌هایی از این ایوان‌ها در بنای دارالاماره کوفه و قصرالخیضر، در نزدیک کربلا، شناسایی شده است (همانجا).

(ه) راهروهای معلق و ستون‌های چوبی

از آنجا که خانه‌های نجف، دو طبقه ساخته می‌شد و طبقه نخست آن مساحت بیشتری داشت، در مقابل اتاق‌های طبقه اول، راهروهایی را مشرف بر صحن خانه تعبیه می‌کردند که در آهنی یا چوبی نقاشی شده‌ای به ارتفاع تقریباً یک متر داشت. راهروها به وسیله ستون‌هایی از چوب سخت بر زمین محکم می‌شد. سرستون‌های مفرنس‌کاری شده، از زمختی و خشونت پل چوبی می‌کاست و جلوه‌ای چشم‌گیر به آن می‌بخشید (همانجا).

(و) دالان

وجود دالان‌های منتهی به صحن، از دیگر خصوصیات خانه‌های قدیمی نجف است. این دالان‌ها «بیرونی» و «اندرونی» خانه‌ها را کاملاً از هم جدا می‌کردند و اگر به خاطر کمی وسعت خانه، امکان احداث دالان نبود، با آویختن پرده‌ای بر درگاه اندرونی، آن را از دیدن و اطلاع بیگانگان در امان می‌داشتند.

۲. خصوصیات خانه‌های جدید نجف

تحولات اجتماعی و اقتصادی نیمه دوم قرن بیستم در شهر نجف، که به انتشار مفاهیم و ارزش‌های جدید منجر شد، بسیاری از ملاک‌ها و ارزش‌های پذیرفته‌شده در معماری را دستخوش دگرگونی کرد. از بین رفتن تمایز در امکانات ساخت و ساز میان ثروتمندان و خانواده‌های متوسط، موجب شد که از حجم تفاوت‌ها در نوع و ظاهر خانه‌ها کاسته شود و خانواده کوچک شکل بگیرد. دو بخش «بیرونی» و «اندرونی» که اساس خانه‌های قدیمی بود، به سبب تحول در مفهوم روابط اجتماعی و تغییر ارزش‌های مربوط به جایگاه زن در اجتماع، اهمیت و اصالت خویش را از دست داد. بالا رفتن سطح سلامتی و فرهنگ جامعه نجف، تأثیری بسزا در ضروری دیدن امور شخصی و خصوصی در ساخت خانه‌ها بر جای می‌نهاد و مردم را بر آن می‌داشت که در خانه خود حمام و باغچه و وسایل تفریح داشته باشند و از وسایل جدید سرمازا و گرم‌ساز و تأسیسات آب و مانند آن استفاده کنند و از سرداب و بادگیر و حمام بازار و چاه آب بی‌نیاز شوند و مردگان خود را به جای خانه، در قبرستان عمومی دفن کنند. در طرح و نقشه خانه‌ها و خصوصیات ساختمانی آنها نیز تغییرات روشنی پدید آمد. طبقات اول، فضایی گسترده یافت و پنجره‌های بزرگ، نور و هوای بیشتری را به داخل اتاق‌ها وارد می‌کرد. برای ساخت اسکلت خانه، از فولاد و بتون‌آرمه استفاده شد که از آجر و چوب بسیار مستحکم‌تر بود.

بی‌نظمی و به هم ریختگی در نقشه کوچه‌ها و مسیرهای تنگ و پیچ در پیچ نیز

جای خود را به نقشه منظم و خیابان‌های عریض و جدول‌گذاری شده و به هم پیوسته داد و این، کار رفت و آمد و وسایل نقلیه را آسان می‌کرد و آوردن آنها را تا در خانه‌ها به راحتی ممکن می‌ساخت. ساختن خانه‌های به هم چسبیده و کوچک که در محلات قدیمی شهر تا دهه چهل قرن بیستم ادامه داشت نیز متوقف شد و ساخت خانه‌های وسیع و جدا از هم با فضای سبز از چهار طرف، معمول گردید.

جدا از اسکلت ساختمان که آهن یا بتون‌آرمه در آن به کار می‌رود، مواد اولیه برای ساخت دیوارها و دیگر قسمت‌ها، عمدتاً آجر است که هم مواد تشکیل‌دهنده آن به راحتی و با قیمت ارزان در نجف یافت می‌شود و هم عنصری مقاوم و عایق در مقابل گرما و صداست. ملاط میان آجرها، گچ است که چسبندگی فراوانی دارد و زود خشک می‌شود. سقف‌ها، به خصوص سقف طبقات بالایی را از مواد سبک مانند چوب و تنه درختان نخل و حور می‌سازند و روی آنها نی‌های خشک و سبوس می‌ریزند که عایق حرارتی بسیار خوبی است. بر بالای آن نیز لایه‌ای گچ، و آن‌گاه عایقی از قیر می‌کشند. دیوارهای داخلی را با گچ نرم، سفیدکاری می‌کنند و تزیینات هندسی زیبا و متنوعی در آن به کار می‌برند. پنجره‌ها و درها را هم معمولاً با استفاده از چوب و شیشه و آهن، به هیئتی که نماینده فرهنگ جامعه نجف باشد، می‌سازند. (همانجا؛ ص: ۴۶۰؛ الشرقی، ۱۹۷۸م، ص: ۳۸).

۳. حوزه‌های علمیه

معماری مدارس دینی نجف ویژگی‌ها و ممیزاتی دارد که با هدف شکل‌گیری آن، یعنی درس و مطالعه و سکونت، متناسب و هماهنگ است. در نقشه ساختمانی مدارس علمی، حیاط روباز، اولین مکان است و سپس رواق‌های مسقف رو به حیاط و آن‌گاه اتاق‌ها، نمازخانه، راه‌روها، ورودی‌ها و سازه‌های ضروری دیگر قرار می‌گیرند و این نظم خاص، تابع مبانی اسلامی در معماری، و مطابق با نیازهای محیطی و نوع حیات اجتماعی رایج در نجف است (انصاری، ۲۰۰۰م، ص: ۴۴۹).

هر یک از اتاق‌های مدرسه، ایوانی در جلو دارد که با آجر و کاشی آراسته شده و

یک یا دو طبقه در آن زندگی می‌کنند. حوض وسط حیاط، آب خود را از چاه حفر شده در صحن می‌گیرد. نمای بیرونی مدرسه عبارت است از یک در ورودی که به صحن منتهی می‌شود و غالباً به شکل ایوانی کوچک است که قوسی متناسب با مساحت کل ساختمان دارد (همانجا).

دیوارهای مشرف به صحن، با آجر، گچ و کاشی غالباً آبی‌رنگ تزیین می‌شود و در بالای دیوار و بر نواری از کاشی، آیات قرآن کریم، چشم بینندگان را به خود جلب می‌کند. در طبقه‌های فوقانی، تمام اتاق‌ها و راهروها بر حیاط احاطه دارد و نور و هوای مورد نیاز را از فضای باز پیش رو تأمین می‌کند. اغلب مدارس نجف، به داشتن سرداب، ممتازند؛ جایی که در روزهای گرم تابستان و نیز هنگام وزیدن تندبادهای گرد و خاک، بهترین مأمن و اقامتگاه طلاب است. هر مدرسه ممکن است بیش از یک سرداب داشته باشد و این سرداب‌ها از جهت وسعت و عمق، متفاوت ساخته شده‌اند. در بین مدارس دینی نجف، مدرسه «سلیمیه» در بازار محله مشراق، کمترین مساحت (صد متر مربع) با کمترین تعداد اتاق (ده عدد) را دارد و بزرگ‌ترین آنها، مدرسه و حوزه جامع نجف است که مساحتش به پنج هزار متر مربع می‌رسد و بر کناره راه نجف و کوفه واقع است، با سه طبقه علاوه بر طبقه زیرزمین، و ۲۰۸ اتاق و چند سالن تدریس و کتابخانه و مسجد و پنج سرداب (خلیلی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۲۹).

۴. بازارها و کاروان‌سراها

عنصر دیگری که از نشانه‌های شهر نجف است، بازارها و کاروان‌سراهاست. بعضی از بازارها، مثل بازار بزرگ و بعضی متفرعات آن، سقف‌دار هستند. معمول بازارها شامل مسجد، حسینیه، مدرسه، کاروان‌سرا، حمام، مقبره و گذرگاه هستند. همه این سازه‌ها را در بازار بزرگ نجف، به روشنی می‌توان مشاهده کرد که پیشینه آن به اواخر دوره سلطه ایلخانان بر عراق (۶۵۶-۷۳۸ق) بر می‌گردد.

این بازار، از گذشته تا کنون، مرکز تجاری شهر نجف بوده است و امروزه نیز شکل

و نقشه آن همچون گذشته است و هیچ تغییری نکرده و همچنان در آن، فروشگاه‌های تخصصی وجود دارند که در طول تاریخ کالاهای خاصی را عرضه می‌کرده‌اند؛ مانند راسته بقال‌ها، راسته نانو‌ها، راسته میوه‌فروش‌ها، راسته بزازه‌ها و ... تنها چیزی که تغییر کرده، نوع کالایی است که در این راسته‌ها عرضه می‌شود و شغل‌های جدیدی که پدید آمده است؛ همچون رنگ‌رزی، کتاب‌فروشی، عطاری، ریخته‌گری و ...

علاوه بر این بازار، در محلات نجف نیز بازارچه‌های خاص آن محل ایجاد می‌شده که به نام آن مکان معروف بوده است؛ مثل «بازار حویش» که از مقابل در غربی صحن مطهر شروع می‌شده و از میان محله حویش تا خیابان «سور» امتداد می‌یافته است. با اجرای برنامه توسعه و بازسازی اطراف حرم علوی، تحولات اساسی در این منطقه به وجود آمد و بیشتر خانه‌ها به اماکن تجاری و فروشگاه و بازارچه تبدیل شد.

شهر مقدس نجف به واردات مواد خوراکی از دیگر شهرها وابسته بود و از طرف دیگر، مرکزی برای تأمین نیازهای مختلف قبایل بدوی و عشایری عراق به شمار می‌آمد که این امر باعث شد تعداد زیادی کاروان‌سرا برای انبار کردن انواع حبوبات و مایحتاج روزانه ایجاد شود. حبوبات و میوه‌ها در فصل خود، در این کاروان‌سراها انبار می‌شد تا در فصل‌های دیگر در دسترس مردم قرار گیرد. اعراب بدوی، با قافله‌های متعدد، که گاه تعداد شتران آن به هزار نفر می‌رسید، در فصول مختلف راهی نجف می‌شدند و مقدار زیادی برنج، خرما و ...، که در کاروان‌سراها انبار شده بود، تهیه می‌کردند و با خود می‌بردند.

شکل این کاروان‌سراها، مربع یا مستطیل بود، با فضای باز و گسترده‌ای در وسط آن که گاه مسقف نیز بود و ایوان‌هایی به شکل طاق ساخته شده از آجر و گچ، گرداگرد آن برای انبار کردن کالاهای استراحت کاروانیان و کار کردن ساکنان وجود داشت. بعضی از آن کاروان‌سراها، امروزه نیز همان کارکرد را دارند که از مشهورترین آنها می‌توان به خان عطیه، خان دارالشفاف و خان بیت شلاش اشاره کرد.

۵. گورستان‌ها

تاریخ دفن مردگان در ظهرالکوفه (منطقه‌ای که شهر نجف بخشی از آن است) شاید به روزگار جنگ‌های آزادی‌بخش اسلامی، که در این مکان به وقوع پیوسته است، منتهی شود. در جنگ قادسیه در سال ۱۴ قمری ۶۳۵ میلادی، شهدای مسلمان در ظهرالکوفه به خاک سپرده شدند. به نقلی سیصد تن از صحابه رسول خدا ﷺ در این مکان دفن شده‌اند که تنها قبر امیر مؤمنان، علی علیه السلام، شناخته شده و معروف است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۳۹۹).

درباره تاریخ دفن در جوار مرقد امام علی بن ابی طالب علیه السلام، دلیل قاطع تاریخی وجود ندارد؛ جز اینکه بر اساس اغلب منابع، کار خاکسپاری در حرم علوی هم‌زمان بوده است با سکونت عده‌ای از مردم در نزدیکی مرقد آن حضرت و این را باید به روزگاری پس از معلوم شدن قبر امیر مؤمنان علیه السلام در زمان هارون الرشید - که رفت و آمدها و زیارات افزایش یافت و استقرار و اسکان در نجف صورت گرفت - مربوط دانست. اما چون می‌دانیم که سکونت قابل توجه در این منطقه در اواخر قرن سوم هجری اتفاق افتاده، طبیعتاً دفن مردگان نیز در همان دوره بوده و آن عصر را باید آغاز این حرکت به شمار آورد.

با روی کار آمدن دولت صفویه در ایران در اوایل قرن دهم هجری، کار آوردن جنازه مردگان از ایران به عراق و دفن آنها در نجف به پدیده‌ای معمول تبدیل شد و در اوایل قرن دوازدهم، به عللی چند، به اوج خود رسید؛ از جمله بازگشت حوزه علمیه به نجف و هجرت بسیاری از عالمان ایرانی در پی حمله افغان‌ها، به نجف. افزون بر اینکه، کتاب‌ها و رسائل بسیاری در فضیلت دفن در خاک نجف نوشته و منتشر شد. همچنین گروه‌هایی از عشایر عراق، در آغاز قرن هفدهم میلادی، به طور وسیع، اقدام به نقل جناز به نجف کردند و چنان شد که هر مسلمان شیعه‌ای آرزو داشت در جوار امام علی علیه السلام به خاک سپرده شود و در حمایت قبر آن حضرت، به شفاعت عندالله نائل گردد و از عذاب و گرفتاری‌های برزخ در امان بماند (نقاش، ۱۹۹۸م، ص ۲۶۱).

خاکسپاری مردگان در نجف، به مکان و موقعیت خاصی محدود نبود. مردم، اموات خود را در صحن حرم و پیرامون آن در خانه‌ها و محله‌ها دفن می‌کردند و این کار تا اواخر دهه شصت قرن گذشته ادامه داشت. از این رو باید گفت که نجف قدیم، هم‌اکنون گورستان یا خانه‌های ساخته‌شده روی قبرها بود.

با ازدیاد جمعیت، مکان دفن هم به جاهای دور دست منتقل می‌شد و به طرف مناطق شمال شرقی شهر عقب می‌رفت. قبرستان عمومی وادی السلام که در بیرون شهر واقع بود، در نهایت به شکل شرعی و رسمی در ۴ تموز ۱۹۲۲ میلادی آغاز به کار کرد و وزارتخانه‌های اوقاف، اقتصاد و داخلی، محدوده‌های آن را تثبیت کردند. از آن پس، آنجا محط و مأوای جنازه شیعیانی شد که همسایگی قبر شریف و نورانی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام را برای راحت و سلامت خویشان در برزخ و قیامت آرزو داشتند.

مردم به دو شکل مردگان‌شان را در نجف به خاک می‌سپارند. یا به شکل فردی و در قبور انفرادی، یا به طور جمعی در مقبره‌های خانوادگی در سرداب‌های خاص. امکان دفن بر اساس اهمیت، از رواق روضه علوی و آن‌گاه صحن و ایوان‌ها و اتاق‌های صحن آغاز می‌شود و به خانه‌ها و مقابر خاصه در محلات قدیمی و اخیراً گورستان عمومی می‌رسد. طبیعت خاک نجف اشرف به گونه‌ای است که زمینه مساعدی برای دفن به وجود می‌آورد. زمین این شهر، به جهت بلندی، دور از دسترس آب‌ها و سیلاب‌هاست و صخره‌ها، شنی و خشک‌اند و زمین، سفتی معتدلی دارد و کار حفر آن با وسایل دستی و به شکل خاص در آوردن قبر را، طبق سنن دینی و اجتماعی، آسان می‌گرداند و در عین حال، چنان سست و نرم نیست که در حین کار، فرو بریزد و نیاز به محکم‌کاری داشته باشد. این نکته از جمله خصوصیات است که اعتقاد به افضلیت دفن در نجف را در ذهن و عمل شیعیان راسخ‌تر کرده و رغبت به آن را در آنان برانگیخته و پردوام ساخته است.

از جمله نتایج مثبت این جریان و سنت دینی برای نجف اشرف، مرکزیت یافتن این شهر مقدس از جهت اقتصادی و نقش بارز آن در خط‌دهی‌ها و هدایت‌های اجتماعی است.

فهرست منابع

١. اسدى، حسن (١٩٧٥م). ثورة النجف، بغداد، دار الحرية للطباعة.
٢. انصارى، رؤوف محمدعلى (٢٠٠٠م). النجف الاشرف: مدينة اسلامية عريقة دراسة لأبرز معالمها العمرانية، بحث ضمن كتاب النجف الاشرف اسهامات فى الحضارة الانسانية، لندن، المركز الاسلامى.
٣. حكيم، حسن عيسى (٢٠٠٦م). المفصل فى تاريخ النجف الاشرف، قم، المكتبة الحيدرية.
٤. خليلي، جعفر (١٤٢٦ق). هكذا عرفتهم، النجف / قم، مطبعة شريعت.
٥. شرقى، طالب على (١٩٧٨م). النجف الاشرف عاداتها و تقالدها، النجف، مطبعة الآداب.
٦. عزاوى، عباس (١٤٢٥ق). العراق بين احتلالين، قم، المكتبة الحيدرية.
٧. كمال الدين، محمدعلى (١٩٧٠م). النجف فى ربع قرن، تحقيق و تعليق كامل سلمان الجبورى، بيروت، دار القارئ.
٨. مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣ق). بحار الانوار، تحقيق محمدباقر البهبودى و يحيى العابدin الزنجانى، چاپ سوم، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٩. محبوبه، جعفرباقر (١٩٥٨م). ماضى النجف و حاضرها، چاپ دوم، النجف، مطبعة الآداب.
١٠. مظفر، محسن عبدالصاحب (١٩٨٢م). وادى السلام فى النجف من اوسع مقابر العالم، النجف، مطبعة النعمان.
١١. مكية، محمد (٢٠٠٠م). ما اتمناه من تخطيط عمرانى لمدينة النجف، بحث ضمن النجف الاشرف اسهامات فى الحضارة الانسانية، لندن.
١٢. موسى، مصطفى عباس (١٩٨٢م). العوامل التاريخية المنشأة و تطور المدن العربية الاسلامية، بغداد، دار الرشيد للنشر.
١٣. نقاش، اسحاق (١٩٩٨م). شيعة العراق، قم، المكتبة الحيدرية.